

# چند قاعده

و چند پیشنهاد برای تسهیل نوشتن و خواندن فارسی

بقلم آقای ح. کاظم زاده ایرانشهر

در یازده سال پیش وقتی که کتاب « وادنو در تعلیم و تربیت » را می نوشتم چند قاعده و چند پیشنهاد برای تسهیل الفبای فارسی از الفبای راه نو ذکر کردم ولی چون این جلد اول راه نو تا کنون بیچاپ نرسیده و امروز اصلاحات مهمی در امور معارف پیش گرفته شده است بی فایده نمی بینم که آن چند قاعده و پیشنهاد را بوسیله مجله تعلیم و تربیت بنظر شورای معارف و معلمان محترم ایران برسانم تا شاید آنها را مورد توجه و استفاده قرار دهند .

از روی این طرز جدید تدریس الفبا که در جلد اول راه نو بتفصیل نشان داده ام می توان نوشتن و خواندن فارسی را با مشخصات بزرگ در ضمن بیست درس و به بیچهار در ضمن چهل درس بخوبی یاد داد چنانکه خود بنده در هفده سال پیش بجمعی از آلمانیان که مایل بیاد گرفتن زبان فارسی بودند از روی این راه نو نوشتن و خواندن فارسی را یاد دادم و رساله در آن باب بزبان آلمانی منتشر ساختم . برای نمونه دیکته های آن محصلین آلمانی را با نمونه الفبای راه نو در پنج لوحه در اینجا درج میکنم .

## ۱ - قواعد راجع بصدای حروف

۱ - یاد دادن اسم حرفها مانند الف ، جیم ، نون ، دال الخ برای بیچه ها یاد گرفتن الفبا را صدمی نود سخت می سازد چونکه بیچه هیچ رابطه میان اسم يك حرف و صدای آن یعنی تلفظ آن پیدا نمی کند . مثلا وقتی که حرفها را با اسم آنها شناخت اگر بی رسید که میم و یاء با هم چه می شود ناچار خواهد گفت می میا می شود و هر چه شما بگوئید «می» می شود علت آن را نخواهد فهمید و برای او معما خواهد ماند . اما اگر بجای اسمی حروف صدای آنها یاد داده شود یعنی هر حرف در حال سکون صدائی که می دهد با آن نامیده شود مانند ب ت پ ج ج الخ آنوقت همین که بی رسید ج و آچه می شود قدری خواهد گفت چا می شود چونکه عین صدای آنها را پشت سر هم تلفظ خواهد کرد . پس باید تنها صدای حروف را در حال سکون یاد داد .

۲ - همچنین الف و زبر و زیر و پیش و دود زیر و دود پیش را هم با صدای آنها یاد باید داد . یعنی صدای الف را مانند صدای آخر با و تا و غیره و دیگرها را چون ا ا ا و آن ان و آن .

۳ - بقدر امکان از استعمال کلماتی که فهمیدن معنی آنها برای ذهن بیچه ها سخت است اجتناب باید کرد مثلا بجای کلمه مد «درازی» و بجای تشدید «دوباره» باید گفت و همچنین بجای کلمه هجا (سیلاب فرانسوی) کلمه «پارچه» بکار برد و گفت که هر کلمه مرکب از چند پارچه است و پارچه آن صداها را میگویند که یکدفعه (یکهو) از ذهن بیرون میاید مثل باد ، دود ، بید که هر کدام فقط يك پارچه دارد . چونکه صدای آنها بکهو از ذهن بیرون می آید . اما کلمه های بادام ، هرام و دیروز هر کدام دو پارچه دارد چونکه صدای آنها دودفعه با کمی فاصله از ذهن بیرون می آید چون با - دام ، به - رام و دید - روز و همچنین سایر کلمه ها . استعمال لفظ پارچه بجای هجا و سیلاب اولاً ذهن بیچه را مشوش نمی کند و ثانیاً یاد گرفتن تقطیم کلمات را بسیار آسان می سازد .

نام خدا - دارا آب داد - مادر آتش داد  
بابا زر آورد - آن زن دُرس داد -

*Edgar Kohr*

نام خدا - دارا آب داد - مادر آتش داد - بابا زر آورد  
آن زن دُرس داد. *Edgar Kohr*

نام خدا - دارا آب داد - مادر آتش داد - بابا زر آورد  
آن زن دُرس داد. *Edgar Kohr*

نام خدا - دارا آب داد - مادر آتش داد -  
بابا زر آورد - آن زن دُرس داد -

*Maria Kormeng*

نام خدا - دارا آب داد - مادر آتش  
داد - بابا زر آورد - آن زن  
دُرس داد. *Maria Kormeng*

نام خدا - دارا آب داد - مادر آتش داد - بابا زر آورد  
آن زن دُرس داد. *Maria Kormeng*

دیکنه محصلین آلمانی پس از شش درس از روی الفبای راه نو

۴ - هر پارچه هم منقسم بچند صدا می شود و هر صداهم برای خود شکلی دارد که عبارت از شکل حروف است. مثلاً کلمه باد یک پارچه و سه صدا دارد، صدای ب و ا و د و هر يك از شکلهای ب، ا، د، علامت یکی از آن سه صداست یعنی هر وقت خواستیم شکل یکی از آن سه صدا را در روی کاغذ بنویسیم شکلی بدان ترتیب میکشیم. بدین قرار وقتیکه بچه در ظرف چند هفته حروف الفبا را بصدا و اشکال آنها یاد گرفت و تقسیم هر کلمه را بیارچه و هر پارچه را بصدا آموخت آنوقت بدون زحمت نوشتن هر کلمه را خواهد دانست.

## ۲ - قواعد راجع بشکل حروف

۱ - در تعلیم الفبا برای هر حرف بیش از دو شکل نباید یاد داده شود. شکلهای مختلف که تا کنون برای هر حرف نشان می دادند بیشتر راجع بحسن خط می باشد نه باساس الفبا. مثلاً شکل وسطی که تا امروز برای هر حرف در مدارس معین کرده اند در حقیقت جز همان شکل که در ابتدای کلمه نوشته می شود و من آنرا در الفبای راه نو که هنوز بچاپ نرسیده شکل کوچک نامیده ام چیز دیگر نیست. منتها برای جیباندن آن بحرف ماقبل خود باید يك خط کوچکی باولش بیفزاییم و آن خط هم آنقدر کوچک است که اساساً محسوس نیست مانند ب، کار، ب، یا و غیره همچنین شکلی که باسم شکل آخری نشان میدهند و مثلاً باء آخری چون می نویسند هیچ فرق باشکل تنها و منفرد ندارد مگر همان خط که برش افزوده میشود چنانکه در بالا گفتم. پس اینها را شکلهای جداگانه و مستقل فرض کردن و یاد دادن خطاست و الفبا را بسیار سخت میکند. در زبانهای فرنگی هم همیشه در نوشتن حرفها برای جیباندن آنها بهمديگر يك خط کوچکی باول یا آخر آنها میافزایند وای هرگز از خاطر کسی نگذشته که آنها را شکل جداگانه شمارد و اصلاً بچه خودش ناچار آن خط را خواهد افزود. از این قرار برای هر حرف الفبای فارسی هم جز دو شکل یکی بزرگ و دیگری کوچک شکل های دیگری لازم نداریم و حتی هفت حرف داریم که تنها يك شکل دارند: ا، د، ذ، ر، ز، ژ، و، و در حین جیباندن اینها بماقبل خود يك خط مختصر بسرها علاء خواهد شد و این را خود بچه هم بی گفتن معام خواهد کرد.

۲ - پس باید یاد داد که هر حرف دو شکل دارد یکی بزرگ و دیگری کوچک. شکل کوچک هر حرف تقریباً نیمه اول شکل بزرگ است. شکل های بزرگ حروف را در آخر کلمه و با تنها می نویسند و شکل های کوچک را در اول و میانه می نویسند و چون در این الفبا صدای حرفها یاد داده می شود همینکه بچهها اشکال صداها یعنی حرفها را یاد گرفتند آنوقت تقطیع کلمات را باید تعلیم داد یعنی هر کلمه را چنانکه در بالا ذکر شد تقسیم باید کرد بیارچه (هجا و یاسیلاب) و هر پارچه را هم بصداها (حروف) و همینکه عدد صداها و یا حروف معلوم شد بچه خواهد فهمید که کدام يك از این صداها در اول کلمه است و کدام يك در وسط و یا در آخر و از روی آن شکل آن صداها را بموجب قاعده که گفتم خواهد نوشت یعنی اگر آن صدا در اول و یا در وسط است شکل کوچک آن را و اگر در آخر است و یا تنهاست آنوقت شکل بزرگ آن را خواهد نوشت.

۳ - از چهار حرکت و یا اعراب (زبر و زیر و پیش و مد) که بچه ها صدای آنها را فقط یاد خواهند گرفت آنکه مد است در فارسی تنها روی الف گذاشته میشود و آنچه زبر و زیر و پیش است تنها روی و یا زیر شکل های کوچک گذاشته میشود (مگر زبر که در موقع اضافه و توصیف زیر اشکال بزرگ نیز گذاشته میشود) چونکه در فارسی کلمه که بایش منتهی شود نداریم و هر کلمه هم

سرکار دیروز کجا بودید - در خانه بودم -  
 در خانه کاری داشتید - کاری نداشتم اما دارا  
 بیدن من آمده بود - آیا تلگرافخانه از  
 اینجا دور است ؟ نه دور نیست -

ادگار کهن  
 Edgar Kehn

سرکار دیروز کجا بودید در خانه بودم - در خانه  
 کاری داشتید - کاری نداشتم - اما دارا بیرون  
 من آمده بود - آیا تلگرافخانه از اینجا دور است -  
 نه دور نیست

اکزرا گروسکورت  
 Exera Groskurt

سرکار دیروز کجا بودید؟ - در خانه بودم -  
 در خانه کاری داشتید؟ - کاری نداشتم -  
 اما دارا ~~بیدن~~ بیدن من آمده بود - آیا تلگرافخانه  
 از اینجا دور است؟ - نه دور نیست -

ایرا گروسکورت

سرکار دیروز کجا بودید - در خانه بودم - در خانه  
 کاری داشتید؟ کاری نداشتم اما دارا بیدن  
 من آمده بود - آیا تلگرافخانه از اینجا دور است -  
 نه دور نیست -

در سال هزار و نهمصد و هجده  
 Maria Vormeng

دیکنه محصلین آلمانی پس از درس دوازدهم از روی راه نو

که از آخر صدای زیر و یازیر شنیده شود بجای زیر وزیر حرف ه مینویسند که این ه در تلفظ خواننده نمیشود چون خانه ، لانه ، نامه و غیره .

۴ - اینکه در رسم الخط حروف ک و گ را در کلماتیکه بعد از این حروف حرف الف و یامیم دارند بشکل گرد و یا کمائی می نویسند مانند کارو کمال این راجع بحسن خط است و مربوط باساس شکل آنها نیست این شکلها را معلم جداگانه میتواند یاد بدهد همچنین اشکال بزرگ ف و ق در ابتدا با چشمهای باز نوشته میشده چنانکه در شکل کوچک همیشه اینطور است و نباید شکل تازه شمرده شود .

۵ - شکل های اولی و وسطی ع و غ در نظر نخستین چنین می نماید که باهم فرق کلی دارند چون ع ، ه ولی فرق ظاهری است و در شکل وسطی بجهت زود گرداندن سرقلم چشم های آن ها پرمی شود و قدری بادامی می گردد. این فرق را نیز در وقت مشق کردن می توان جداگانه یاد داد.

### ۳ - چند پیشنهاد برای تسهیل الفبا:

باینکه یاد گرفتن الفبای فارسی بوسیله این راهنو که نمره ۳ سالهای تدقیق و تنمیع و تجربه میباشد فوق العاده آسان شده است باز یاراً قواعد رسم الخطی هست که مخصوصاً بجهت نوشتن حر که ها املا و انشاء فارسی را بسیار سخت میکند ولی بامختصر تغییر و قبول بعض قواعد می توان آن مشکلات را هم رفع کرد . لهذا پیشنهادهای ذیل را بمحضر هیئت شورای عالی معارف تقدیم میکنم و امیدوارم کاری را که چند سال بعد مریبان نژاد و خواهند کرد این هیئت افتخار ابتکار و اجرای آنرا بخود تخصیص دهد .

۱ - حرف واو چنانکه معروف است دو تلفظ و یا دو صدا دارد چنانکه گاهی حرف صامت است که واو حقیقی است مانند واو کلمات ذیل : دیوار ، ویران و غیره ، و گاهی هم حرف صایت است که صدای ضمه تقیل مقبوض میدهد چون در کلمه های روز ، بود ، دور و غیره . . . و چون در شکل واو در این دو موقع هیچ فرقی ملحوظ نشده لهذا اسباب اشکال میباشد و بجهت قاعده در دست ندارند که بموجب آن بدانند کجا واو صامت و کجا صایت است . البته اگر در همه جا و در کتب و مراسلات اعراب کلمات را مینویسیم تشخیص این دو صدای واو خود بخود معلوم میشد ولی حالا که نمی نویسیم تشخیص صدای آنها بسیار سخت است و باید راهی پیدا کرد . بنظر من اگر هر جا که واو صدای ضمه تقیل مقبوض یعنی او  $ou$  میدهد آنرا با چشم تو خالی بنویسیم مانند بود ، دود ، رود و غیره در بصورت هیچکس این سه کلمه را بود ، دود ، رود نخواهد خواند و وقتیکه واو حرف صامت است او را مانند او معمولی تویر مینویسیم چون دیوار ، آورد ، رود و غیره با این ترتیب بدون علاوه کردن يك حرف تازه رفم يك سختی بزرگ را خواهیم کرد . از روی این قاعده کلمه روید ( با واو تو خالی ) صیغه مفرد مضارع از روئیدن خوانده خواهد شد نه فعل امر حاضر از رفتن . . .

۲ - همینطور حرف باء که گاهی صامت و گاهی صایت است . برای رفم این محذور هم باید هر جا که باء صامت است مثل باء معمولی نوشته شود چون آید ، یوز ، روید ، و هر وقت که صدای صایت یعنی ای =  $i$  میدهد آنوقت در زیر آن علاوه هر دو نقطه يك خط کوچک عمودی هم اضافه کنیم چنانکه در خطوط قدیمه همچنین مینوشته اند . بدین قرار در کلمات دوید ، شوید و جوید هرگز روید ، شوید ، جوید خوانده نخواهد شد و با این مختصر تغییر جلوگیری از اشتباه های بزرگ خواهد شد .

تاج شاه - بابا دانا را پاداش داد - دارا مارا

شام داد - این پهلوی با دام مال داشت -

Sif Jacoby 3 July 1918

- خدا بزرگ است - پادشاه ما دانست -

و دانیان را دوست دارد - من کتاب راه نورا دوست

دارم - ایران یادگار پادشاهان بزرگ است -

- ما ایران را دوست داریم - ایران مردان خوب

و بزرگ داشت - Sif Jacoby 19/7 18

خدا بزرگ است - پادشاه

ما دانا است - و دانیان را دوست

دارد - من کتاب راه نورا دوست

دارم - ایران یادگار پادشاهان

بزرگ است - ما ایران را دوست

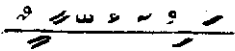
داریم - ایران مردان خوب و بزرگ

داشت - H. Jansz 19.7.18.

دیکنه محصل آلمانی پس از چهار درس خصوصی از روی راه تو

و دیکنه همان محصل پس از هشت درس خصوصی از روی راه تو

۳- از کلمه هائیکه در آخر يك هاء بیصدا دارند وقتی که برای تر کیب صیغه جمع يك ها علاوه میکنیم هاء بیصدا را نباید انداخت مثلا کلمات خانه ، جامه ، خامه ، باده را در صیغه جمع باید خانهها ، جامهها ، خامهها و بادهها نوشت نه خانها ، جامها ، خامها ، بادها تا اشتباهی حاصل نشود.

ا	ب	پ	ت	ث	ج
چ	ح	خ	ذ		
ر	ز	س	ش	ص	
ض	ط	ظ	ح	خ	ف
ق	ک	گ	ل	م	
ن	ه	ه	و	ی	ی
					

### حروف الفبای فارسی از روی راه نو که حرف يك و یاد و شکل بیشترندارد

باید همیشه در نظر گرفت که سهولت يك زبان در این است که کلمات آن را بدانستن معنی آنها بتوان به آسانی و درست تلفظ کرد در صورتی که در فارسی ما اول باید معنی کلمه و بلکه تمام جمله را بدانیم تا بتوانیم کلمه را درست تلفظ کنیم و این بسیار سخت است به خصوص برای بچه ها و بیگانگان.

ه - حرف برا که ادات مفعول به و با مفعول فيه میباشد وقتی که بسر کلماتی میآید که حرف

اول آنها الف و واو و یا با هم میباشند باید آنها در شکل «ه» و جدا گانه نوشت مثلا کلمات به ایران ، به یزد ، بهوی ، به آب ، به اختر را نباید بایران ، بیزد ، بوی ، باب ، و باختر نوشت چونکه بجهت نداشتن اعراب خواننده حق دارد که آنها را بایران ، بیزد ، بوی ، باب ، باختر بخواند مگر اینکه معنی جمله و مقصد قائل را قبلا بدانند و با وجود اینهم باید ذهن خود را فشار دهد تا آنها را استنباط کند. باز تکرار میکنم که الفباء املا را باید طوری آسان کرد که بمحض یاد گرفتن حروف الفباء هر کلمه را بدون دانستن معنی آن بتوان درست تلفظ کرد.

۵ - از حرف ذال که در فارسی جز چند کلمه، معدود با آن نوشته نمیشود مانند کاغذ، گذاردن و پذیرفتن و غیره میتوان برای تسهیل الفباء کلی صرف نظر کرد و یک حرف را که چندان محل استعمال نیست از الفباء برداشت و چندان اشتباه بزرگی بوجود نخواهد آمد .

۶ - همچنین کلمات چندی را که در آنها حرف خاء با واو یکجا نوشته ولی بی وا خوانده میشود مانند خواب ، خواندن ، خوار ، خواجه خویش و غیره ، خاندن ، خار ، خاجه ، خویش و غیره نوشت. اگر در چند کلمه التباس با کلمات دیگر واقع شود آن صعوبت جزئی را در مقابل این سهولت کلی باید قبول کرد .

۷ - از کلمات عرب که در فارسی معمول است آنها را که در آخر یک حرف یاء دارند که مانند الف تلفظ میشود ، باید با الف نوشت چون عیسا ، موسا ، مصطفا ، مولا ، یحیة ، مجتبا ، هرتضا و غیره و همچنین کلماتی را که او آنها مانند الف تلفظ میشود با الف نوشت مانند مشکاة ، زکات ، حیات ، صلات و غیره ، اساسا این قبیل کلمات را در اغلب کتب قدیمه و حتی در بعضی نسخه های قرآن نیز با الف نوشته اند پس ضرر و خطری نخواهد داشت .

بنظر بنده اگر این هفت ماده را که اصلاحات بسیار جزئی است امروز قبول و اجرا کنیم ، نوشتن و خواندن زبان فارسی را صدی پنجاه آسان خواهیم کرد و دیگر محتاج بتبديل خط فارسی به لاتینی نخواهیم شد ولی اگر این جرئت و همت را امروز بروز ندهیم یقین دارم در آینده نسل جدید ایران اصلاحات سختتر و بزرگتر را خواهد قبولانید و حتی اگر الفبای لاتینی را نخواهد افلا و قطعاً حذف کردن هشت حرف عربی را از الفبای فارسی قبول خواهد کرد .

## مجالس خطابه

در ماه اسفند ۱۳۱۳

خطابهائی که از موقع انتشار شماره یازدهم تا انتشار این شماره در

دانشکده ها و مدارس مختلف از طرف دانشمندان و رجال محترم ایراد شده بقراریست:

آقای حاج محترم السلطنه	راجع باتفاق ملک	پنجشنبه ۱۲ اسفند
آقای دکتر حکیم اعظم	راجع به محمد ز کربای رازی	پنجشنبه ۹ اسفند
آقای دکتر شفق	حق و قانون	پنجشنبه ۱۶ اسفند